



## نماز در سیمای قرآن و روایات

محمد صالح نیا

### نماز و تشکر

یکی از فلسفه‌های اقامه نماز، تشکر از ولی نعمت است. در قرآن کریم، خطاب به پیامبر اکرم ﷺ آمده است: «إِنَّا أُعْطِينَاكَ الْكَوْثَرَ، فَضَلُّ لِرَبِّكَ؛ ما به تو خیر زیاد داده‌ایم، پس برای پروردگارت نماز بگذار...» (کوثر: ۱ و ۲) تشکر از کسی که به انسان خدمتی می‌کند، فطری اوست. به همین دلیل، اگر کسی لیوانی آب به ما بدهد، بی‌درنگ از او قدردانی می‌کنیم. بنابراین، فطرت پاک، شایسته است در برابر منبع لایزالی که همه داشته‌های مادی و معنوی مان از اوست، سپاس و منت او را به جای آوریم. در این میان، باشکوه‌ترین نوع تشکر، شکرگزاری شکر بنده در پیشگاه یگانه معبود عالمیان است، و البته اقامه نماز، از برترین شکل‌های شکرگزاری در برابر خداوند است. کسی که شکرگزار خداوند است، در حقیقت با اثبات فهم و معرفتش، به خویشتن سود رسانده است؛ زیرا خداوند سبحان، غنی مطلق است و به شکر ما نیازمند نیست. خداوند در قرآن کریم از زبان حضرت سلیمان عليه السلام (پس از آنکه یکی از یارانش زودتر از یک چشم بر هم زدن، تخت بلقیس را نزد او حاضر کرد) حکایت می‌کند:

هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي ءَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ. (نمل: ۴۰)

این از فضل پروردگارم است، تا مرا بیازماید که آیا شکر می‌گزارم یا کفران می‌کنم؟ و کسی که شکر گزارد، به سود خود شکر کرده و کسی که کفران کند، خدا، بی‌نیاز و کریم است.

در روایتی دیگر می‌خوانیم: «ایمان، دو نیم است؛ نیمی صبر و نیمی شکر.»<sup>۱</sup>

۱. طبرسی، مجمع البیان، در ذیل آیه ۵ سوره ابراهیم عليه السلام، به نقل از: ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۳۵۸.



اخلاق فردی \* ۴۷

بنابراین، بنده ناسپاس، از نیم ایمان خود محروم است و شاید نتوان او را مؤمن واقعی خواند.

**پیام متن:**  
نماز، برترین جلوه شکرگزاری بنده، از خالق بخشنده است.

نماز، میزان سنجش خشوع در برابر پروردگار در قرآن کریم آمده است:

وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَأِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْغَافِلِينَ<sup>۱</sup>

از صبر و نماز، کمک بگیرید و به درستی که این امر (نماز) بار سنگینی است، مگر برای افراد خاشع.

با دقت در این آیه شریفه درمی یابیم هرگاه انسان برای ادای نماز، شور و نشاط لازم را ندارد و به سختی سراغ نماز می رود، از خشوع او به پروردگار متعال کم شده است. در نتیجه، زمینه پیدایش کبر در آدمی فراهم می شود و این گونه است که در نظر انسان متکبر، نماز، بار سنگینی می نماید که از به مقصد رساندن آن ناتوان است. «خشوع، حالت قلبی انسان در عبادت و نتیجه توجه کامل به مقام بندگی در آستان الهی است. آن که نیاز و عجز خود را می داند و عظمت و کمال الهی را می شناسد و در عبادت، خود را در برابر آن خدای بی همتا و آگاه می یابد، حالتی متناسب با این حضور پیدا می کند. در این حالت، قلب خاشع می شود، نگاه افتاده می گردد و توجه از هر چیز دیگر، بریده و به معبود متوجه می شود»<sup>۲</sup>.

خداوند در قرآن کریم در توصیف حال مؤمنان حقیقی و راه یافتگان به خلوتگاه انس باری تعالی می فرماید:

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ، الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ.

مؤمنان، رستگار شدند؛ آنها که در نمازشان خشوع دارند.

نماز خشوع‌کنندگان، «الفاظ و حرکاتی بی‌روح و فاقد معنی نیست، بلکه هنگام نماز، چنان حالت توجه به پروردگار در آنها پیدا می‌شود که از غیر او جدا می‌گردند و به او می‌پیوندند. چنان غرق حالت تفکر و حضور و راز و نیاز با پروردگار می‌شوند که بر تمام ذرات وجودشان اثر می‌گذارد. خود را ذره‌ای می‌بینند در برابر وجود بی‌پایان و قطره‌ای در برابر اقیانوس بی‌کران. لحظات این نماز، هر کدام برای آنها درسی است از خودسازی و تربیت انسانی و وسیله‌ای است برای تهذیب روح و جان»<sup>۱</sup>.

## پیام متن:

۱. خشوع، حالت قلبی انسان در عبادت و نتیجه توجه کامل به مقام بندگی در آستان الهی است.

۲. نماز واقعی باید با خضوع و خشوع همراه باشد، و لازمه فراهم آمدن خشوع، شناخت عظمت خداوند است.

## ارزش خشوع

در حدیثی آمده است که «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مردی را دید که در حال نماز، با ریش خود بازی می‌کرد، فرمود: **إِنَّهُ لَوْ خَشَعَ قَلْبُهُ لَخَشَّتْ جَوَارِحُهُ**؛ اگر او در قلبش خشوع بود، اعضای بدنش نیز خاشع می‌شد»<sup>۲</sup>. از این حدیث پی می‌بریم به اینکه خشوع، حالتی درونی است که بر جسم انسان نیز اثر می‌گذارد. «فروتنی، افتادگی و کُرُنش، معنای مشترک میان خشوع و خضوع است و تفاوت میان این دو آن است که خضوع، مختص به جوارح و اعضای بدن آدمی است، ولی خشوع، مختص قلب است»<sup>۳</sup>.

حضرت علی رضی الله عنه نقل می‌کند که خداوند متعال در حدیث معراج، به رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ای احمد، هیچ بنده‌ای مرا نشناخته است، مگر اینکه به من خشوع داشته باشد و هیچ بنده‌ای نسبت به من خشوع نورزید، مگر اینکه همه چیز نسبت به او خشوع کردند و رام او شدند. تا اینکه فرمود: ای احمد، اگر دوست داری که شیرینی ایمان را در خود بیابی و حس کنی، پس گرسنگی را بر خودت

۲. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۴۱۷.

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۴، صص ۱۹۴ و ۱۹۵.

۳. با استفاده از: ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۲۲۹.

اخلاق فردی \* ۴۹

هموار کن، کم حرف باش (خاموشی گزین) و همواره از خدا بترس. پس اگر این کارها را انجام دهی، امید است که نجات یابی. در غیر این صورت، در شمار هلاک‌شدگان خواهی گشت.<sup>۱</sup>

**پیام متن:**

۱. خشوع واقعی، افتادگی و خضوع جسم را نیز در پی دارد.
۲. هیچ بنده‌ای نسبت به خداوند خشوع نمی‌ورزد، مگر اینکه همه چیز در برابر او خضوع می‌ورزند و رام او می‌شوند.

**رابطه میان نمازگزار و تعمیر مسجد**

در آیه هجدهم سوره توبه آمده است:

إِنَّمَا يَقْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ.

تنها کسانی حق تعمیر و آباد کردن مساجد را دارند، که به خدا و روز قیامت ایمان داشته و

اهل اقامه نماز باشند و زکات را پردازند و جز از خدا نترسند.

«در حقیقت، خداوند در این آیه شریفه، پنج شرط را برای آبادکنندگان مساجد و کانون‌های پرستش و عبادت برمی‌شمارد. شرط‌های اول و دوم، اعتقادی و قلبی هستند و پایه و اساس هر کار خیر به شمار می‌روند؛ یعنی ایمان به خدا و روز قیامت. شرط‌های سوم و چهارم، عملی هستند و باید با اعضا و جوارح انسان محقق شوند؛ یعنی برپا کردن نماز و دادن زکات، تا ایمان شخص فقط ادعایی و زبانی نباشد، بلکه صورت عملی به خود بگیرد و در عمل آن را تأیید کند. کسی که تارک نماز و زکات (که دو رکن از ارکان دینند) باشد، به آیات خدا کافر است و حق تعمیر و آبادانی مساجد را ندارد. سرانجام با اشاره به آخرین شرط می‌گوید: چنین شخصی باید جز از خدا، از کس دیگری نترسد.»<sup>۲</sup>

**پیام متن:**

فقط کسانی حق تعمیر و آباد کردن مساجد را دارند که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشند و اهل اقامه نماز باشند.

۱۹۴۴

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۳۳.

۲. با استفاده از: ترجمه تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۲۶۸؛ تفسیر نمونه، ج ۷، صص ۳۱۵-۳۱۹.

## توجه به نماز فرزندان و خانواده

خداوند متعال در قرآن کریم، درباره حضرت ابراهیم علیه السلام می‌فرماید: «كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ؛ او (ابراهیم) اهل خود را به نماز فرمان می‌داد»<sup>۱</sup> انجام دادن هر کار مهمی، در ابتدای راه دشوار به نظر می‌آید، ولی اگر آدمی بار نخست به عملی کردن آن توفیق یابد و به تکرار برساند، از آن پس به راحتی از عهده اجرای آن برمی‌آید. به همین جهت، بزرگان دین و پیشوایان معصوم علیهم السلام به عنوان یک دستور اخلاقی به پیروان خود سفارش کرده‌اند که فرزندان را از کودکی برای نماز تربیت کنید، به گونه‌ای که در کودکی به برپایی نماز خو کنند و هنگامی که به سن تکلیف رسیدند، با شوق و معرفت، به آسانی نماز بخوانند. حال آنکه اگر یک‌باره و دقیقاً از زمان تکلیف، آنها را به نماز خواندن فراخوانیم، احساس خواهند کرد که تکلیف سخت و دشواری بر آنها واجب شده است که از عهده آن برنخواهد آمد. در قرآن کریم به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سفارش شده است: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا؛ به اهل خود فرمان نماز بده و در این باره پشتکار داشته باش»<sup>۲</sup>.

از این احکام نورانی درمی‌یابیم که اگر با چند بار دعوت به نماز، افراد خانواده اهل نماز نشدند و گاهی نماز خواندند و گاهی ترک کردند، سرپرست خانواده نباید آنها را به حال خودشان واگذارد و از مسئولیت تربیت اعتقادی آنها شانه خالی کند، بلکه باید در این راه بردباری در پیش گیرد. بنابراین، باید پیوسته در موقعیت‌های مناسب با زبان نرم، محترمانه و همراه با تشویق، آنها را به این امر فراخواند تا در نتیجه، آنان نیز به این آموزه رسول خدا به شایستگی عمل کنند. همچنین خداوند در قرآن کریم از زبان لقمان حکیم، خطاب به فرزندش می‌فرماید:

يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَامْرُءٌ بِالْمَعْرُوفِ وَانَّهُ عَنِ الْمُنْكَرِ. (لقمان: ۱۷)

ای پسرکم، نماز را به پا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن.

## پیام متن:

فرزندان خود را از کودکی به نماز خواندن عادت دهید تا در سال‌های تکلیف، از سوی شور و علاقه به برپایی نمازهای عاشقانه توفیق یابند.



اخلاق فردی \* ۵۱

### نماز، یعنی ایمان

در آیه‌ای از قرآن کریم می‌خوانیم: «مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ؛ خدا، هرگز ایمان (نماز) شما را ضایع نمی‌گرداند.» سبب نزول این کلام وحی چنین است که پس از حدود پانزده سال که مسلمانان به سوی بیت المقدس نماز خواندند، وقتی به دلایلی قبله به سوی کعبه تغییر کرد، این پرسش برای مسلمانان پیش آمد که نمازهای قبلی ما چه حکمی دارد؟ این مسئله را از پیامبر عظیم‌الشان پرسیدند. آن‌گاه از بارگاه ربوبی این آیه نازل شد با این مضمون که نمازهای قبلی شما صحیح است و خداوند پاداش نمازهای شما را ضایع نمی‌کند. به عبارت دیگر، خداوند، ایمان شما را تباه نمی‌سازد و به جای اینکه خداوند بگوید: نمازهایتان از بین نرفته و درست است، فرمود: ایمانتان ضایع نشده است که این تعبیر، نشان‌دهنده آن است که نماز، یعنی ایمان و ترک نماز، یعنی ترک ایمان.

#### پیام متن:

نماز؛ یعنی ایمان و ترک نماز؛ یعنی ترک ایمان.

۱۹۸۴